

اطاله دادرسی در امور مدنی و راهکارهای مقابله با آن

دکتر سیدحسین صفایی^۱

اطاله دادرسی یکی از موانع بزرگ دادخواهی و عدالت‌گستری در سطح جامعه است که متأسفانه نظام قضایی ما به شدت گرفتار آن شده است. حجم بالای پرونده‌ها نه تنها موجب کندی روند رسیدگی شده است، بلکه سبب شده است که بسیاری از افراد از احقاق حق خود از طریق مراجع قضایی ناامید باشند و احساس کنند هزینه صرف‌نظر کردن از حقوق حقه خود کمتر از هزینه مراجعه به دادگستری است. همین موضوع امنیت حقوقی افراد را به خطر انداخته و موجب گشودن راه برای سوء استفاده سودجویان شده است. همچنین حجم بالای کار موجب شده قضات و کارمندان آن چنان که شایسته است نتوانند پرونده‌ها را با صرف وقت و دقت نظر کافی رسیدگی کنند و نیز نظارت بر کار قضات با چالش‌های جدی مواجه است. تأخیر در احقاق حق خود نوعی بی‌عدالتی و مغایر اصول دادرسی عادلانه است که در اسناد بین‌المللی هم بر آن تأکید شده است. وانگهی تجربه نشان می‌دهد که اطاله دادرسی بر صدور صحیح آراء نیز تأثیرگذار بوده و چنین آرائی با اشکالات عدیده همراه هستند.

به منظور بررسی ژرف علل اطاله دادرسی در امور مدنی در نظام حقوقی ایران این پژوهش در سه فصل تنظیم شده است. در فصل یکم مفهوم اطاله دادرسی و مفاهیم مشابه بررسی شده است. فصل دوم به بحث عوامل اطاله دادرسی اختصاص دارد و فصل سوم به راهکارهای مقابله با اطاله دادرسی پرداخته است.

عواملی که ممکن است در اطاله دادرسی سهیم باشند بسیار است. برای مثال علاوه بر مسائل حقوقی صرف و به ویژه اشکالات و کاستی‌های آیین دادرسی و سازمان قضایی، وضع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سطح سواد و معلومات نیز هر کدام ممکن است بر اطاله دادرسی تأثیرگذار باشند. این عوامل را می‌توان به عوامل حقوقی و غیرحقوقی تقسیم‌بندی کرد. نقش قانون و قانونگذار در تسریع دادرسی انکارناپذیر است. از یک سو درک صحیح تحولات اجتماعی و نیازهای جامعه و متعاقباً وضع قوانین مناسب تا اندازه قابل‌توجهی اختلافات و دعاوی را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر در کنار کاستن از میزان دعاوی، وضع قوانینی که موجب می‌شود در صورت بروز اختلاف، دعا در کوتاهترین زمان ممکن مختومه شود می‌تواند تأثیر به‌سزایی در کاهش اطاله دادرسی ایفا کند.

برخی از عوامل اطاله دادرسی مربوط به اشخاص است. نیروی انسانی مهمترین عامل در امر دادرسی است. موفقیت و استفاده بهینه از سایر عوامل نیز به کیفیت کار نیروی انسانی بستگی دارد. زیرا با وجود تعداد کافی قاضی و کارمند و کارشناس کارآمد و با تجربه و عالم تا حدود زیادی نواقص و مشکلات با تدابیر و شمس قضایی و کارشناسی و کاردانی و ابتکارات آنان رفع می‌شود. اما متأسفانه از بعد نیروی انسانی دستگاه قضایی ما مشکلاتی دارد؛ از جمله، اشتغال عده کثیری قاضی کم‌تجربه و با دانش قضایی ضعیف و بدون انگیزه -البته در کنار گروهی از قضات صاحب‌نظر و باتجربه- و تعدادی کارمند ناکارآمد و نبود کارشناسان رسمی و متخصص در برخی از رشته‌های مورد نیاز و کمبود پژوهشگران قانونی متبحر و امکانات آزمایشگاهی و عدم استفاده کافی از وجود وکلای کاردان و نیز وجود خیل عظیم ارباب رجوع ناآشنا با قوانین و مقررات منجر به نتایج نامطلوب و از جمله اطاله دادرسی گشته است.

^۱ عضو پیوسته گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم

اشخاصی که در دادرسی دخالت دارند با عملکرد نادرست خود می‌توانند موجب اطاله دادرسی شوند. علاوه بر قضات یک دسته از این اشخاص کارمندان دادگستری هستند که به علت عملکرد ضعیف دستگاه قضایی در گزینش و آموزش و نظارت، نقش زیادی در اطاله دادرسی دارند. اشخاص وابسته به دادگستری مانند کارشناسان نیز می‌توانند عامل اطاله دادرسی محسوب شوند. علاوه بر اینها، اشخاص دیگری همچون اصحاب دعوا و شهود که علی‌الاصول هیچ وابستگی به دادگستری ندارند، نیز به گونه‌ای در اطاله دادرسی نقش دارند. اشخاص می‌توانند هم با افزودن بر تراکم دعاوی و هم با کند کردن فرآیند دادرسی موجب اطاله دادرسی شوند. برخی از وکلای دادگستری و مشاوران حقوقی نیز در این امر موثرند. در این تحقیق نقش این اشخاص مورد بررسی دقیق و عمیق قرار گرفته است.

در فصل سوم این تحقیق پس از بیان مهم‌ترین علل اطاله دادرسی در محاکم ایران، به بیان راهکارها در جهت کاهش اطاله دادرسی پرداخته شده است.

با مذاقه در عملکرد دستگاه قضایی و اقدامات انجام شده و با عنایت به اطاله بیش از حد دادرسی به ویژه در محاکم حقوقی درمی‌یابیم که مهم‌ترین عامل اطاله دادرسی در کشور ما حجم بالای دعاوی حقوقی است.

به عبارت ساده‌تر دستگاه قضایی ما گنجایش چنین حجم عظیمی از پرونده‌های حقوقی را ندارد. برای حل مشکل اطاله دادرسی در این خصوص دو کار می‌توان انجام داد: به عنوان راهکار کوتاه‌مدت باید با تصحیح عملکرد و تقویت دادگستری، توان و گنجایش دستگاه قضایی را افزایش داد و به عنوان هدف بلندمدت باید در جهت کاهش پرونده‌های ورودی به نظام قضایی کشور کوشید و این کار جز با همکاری کلیه قوا و اصلاح وضع حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور میسر نخواهد شد.

اهم اقداماتی که باید در این زمینه انجام گیرد را می‌توان به شرح ذیل خلاصه کرد:

۱. اصلاح قانون آئین دادرسی مدنی در کاهش اطاله دادرسی تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد. با توجه به ایراداتی که در حال حاضر بر قانون آئین دادرسی در ارتباط با فرایند دادرسی مانند اقامه دعوی، رسیدگی بدوی، تجدیدنظر، فرجام‌خواهی و اعاده دادرسی، به ویژه اعاده دادرسی به دستور رئیس محترم قوه قضائیه پس از طی مراحل متعدد دادرسی و نهایه شدن حکم و همچنین مقررات ابلاغ وارد است، ضرورت اصلاح این قانون در جهت کاهش اطاله دادرسی به شدت احساس می‌شود. اهم مواردی از قانون آیین دادرسی مدنی که نیاز به اصلاح دارند در فصل‌های دوم و سوم تحقیق به تفصیل ذکر شده است.

۲. علاوه بر قانون آیین دادرسی مدنی که نیاز به اصلاح دارد، اصلاح قوانین دیگر نیز باید در مقابله با اطاله دادرسی مورد توجه واقع شود یکی از مهم‌ترین قوانینی که سبب ایجاد دعاوی بسیاری در دستگاه قضایی به ویژه در مورد نقش و اعتبار سند عادی در معاملات غیرمنقول شده است، قانون ثبت اسناد می‌باشد. اختلافات ثبتی و ملکی بخش قابل توجهی از دعاوی حقوقی را تشکیل می‌دهد که با اصلاح قانون ثبت و عدم استماع دعاوی غیرمنقول بدون سند رسمی و اجرای کامل طرح کاداستر می‌توان تا حد زیادی از طرح این گونه دعاوی جلوگیری کرد. اصلاح مقررات وکالت و کارشناسی و الزامی کردن مداخله وکیل در دعاوی مدنی - البته با تسهیل استفاده افراد بی‌ضاعت از وکیل معاضدتی - و تعیین حداکثر زمان لازم، برای طی فرایند دادرسی و مختومه شدن پرونده، نیز می‌تواند در مقابله با اطاله دادرسی موثر باشد.

۳- تخصصی کردن محاکم یکی از نیازهایی است که در نظام حقوقی ما احساس می‌شود. این مهم نه تنها نقش به سزایی در کاهش اطاله دادرسی دارد، بلکه منجر به دادرسی عادلانه‌تر و صدور آراء صحیح‌تر می‌شود.

۴- تقویت و گسترش روش‌های مسالمت‌آمیز حل اختلاف به ویژه نهاد داوری می‌تواند نقش به سزایی در کاهش ورودی پرونده‌های دادگستری ایفاء کند. ولی مقررات قانون آیین دادرسی مدنی در این زمینه ناقص است و متأسفانه برخی مقررات داوری خود موجب اختلاف بین افراد شده و در بسیاری از موارد که شرط داوری در قرارداد پیش‌بینی شده است باز مراجعه به دادگستری به کرات اتفاق می‌افتد و قاضی که در موارد خاصی اختیار ابطال رای داور را دارد چه بسا با ورود در ماهیت دعوی، هنگامی که با دادخواست ابطال رای مواجه می‌شود موجب اطاله دادرسی می‌گردد. از این رو شایسته است قانونگذار با اصلاح قانون یا رویه قضایی با تفسیرهای منطقی و شجاعانه نهاد داوری را تثبیت و تقویت نماید و فرصتی را فراهم آورد تا افراد با اطمینان بیشتری اختلافات خود را به داوری ارجاع دهند و از مزایای داوری که از مهمترین آنها سرعت در رسیدگی است برخوردار شوند. کوشش در راه صلح و سازش و میانجیگری به وسیله وکیل یا قاضی یا داور- که در مواردی می‌تواند الزامی باشد- نیز می‌تواند نقش مهمی در مقابله با اطاله دادرسی داشته باشد.

۵- نظارت بیشتر بر نیروی انسانی و تلاش برای جذب نیروی ذیصلاح و با تقوی برای کارهای قضایی بی‌شک می‌تواند تا حد زیادی اشتباهات قضایی و اطاله دادرسی را کاهش دهد. نقش کارکنان دفتری نیز در اطاله دادرسی دارای اهمیت است. لذا توجه ویژه به جذب نیروی انسانی شایسته و نظارت بر عملکرد کارکنان و قضات تأثیر بسزایی در کاهش اطاله دادرسی خواهد داشت.

۶- تنقیح قوانین و تنظیم و انتشار آراء قضایی نیز در مقابله با اطاله دادرسی تأثیر به سزایی دارد: یکی از علل اصلی اطاله دادرسی مربوط به مرحله وضع قوانین است. در برخی موارد آن قدر انباشت و تورم قوانین وجود دارد که اشراف به تمامی آنها به سادگی امکان‌پذیر نیست و وقت زیادی را از قاضی برای پیدا کردن ناسخ و منسوخ‌های قانونی و یافتن حکم مناسب هر دعوا می‌گیرد. همین مشکل در مواردی نیز بروز می‌کند که سابقه آراء قضات در مورد قضایای مطروحه در دسترس نیست. از این رو تنظیم و تنقیح و گردآوری علمی قوانین در مجموعه‌های قوانین جامع مربوط به رشته‌های مختلف حقوق به نحوی که موارد مطلق و مقید، عام و خاص و ناسخ و منسوخ به روشنی در آنها مشخص باشد ضروری است. همچنین تدوین علمی رویه قضایی ضمن ایجاد امنیت حقوقی قاضی را با استفاده از تجارب سایر قضات در یافتن حکم مناسب بسیار کمک کرده و نتیجتاً تسریع در رسیدگی را به همراه می‌آورد.

در خاتمه یادآور می‌شود که تحقیق انجام شده تنها مربوط به اطاله دادرسی در امور مدنی بوده و اطاله دادرسی در امور کیفری که مقررات دیگری بر آن حاکم است به تحقیق دیگری نیاز دارد.